

The Methodology of Answering the Belief Doubts

Received date: 2022.06.30

Accepted date: 2022.09.04

Reza Berenjkari*

Abstract

Recognizing doubts and answering them in the Qur'an and hadiths, as well as from the point of view of reason, is very important, and defense in the special sense of the word is referred to this work. For this reason, Islamic theologians have paid more attention to this part of the defensive aspect of theology and have written many books to refute the doubts of the opponents. But what is more important and has received less attention is the methodology of answering doubts. There is a large amount of religious texts available, in which one can carefully find the principles, rules and methods governing the answer space of the Qur'an and The Prophet's House to questions and doubts.

The purpose of answering the belief doubts are: preventing the weakening of the belief teachings of Islam; removing the obstacles to accepting the right belief from people's minds; expressing new dimensions of religious teachings; Designing new arguments and strengthening the speaker's mind and empowering him to answer similar doubts. In order to answer the doubt, the respondent must consider conditions, some of which include: recognizing of religious beliefs, expertise in the subject area in question, dominating the content of the doubt, mastery of response methods; to be skilled in debate and conversation.

Keywords: Methodology, Doubt, Beliefs, Quran, Reason.

*Professor at "Philosophy Department" of Farabi College of Tehran University.

E-mail: berenjkari@ut.ac.ir

فصلية علمية محكمة
مطالعات شبهة پژوهی
سنة الأول، خريف ١٤٤٥هـ ق، العدد ١
مقالة محكمة

منهجية الردّ على الشبهات الاعتقادية

رضا برنجكار*

الملخص

إن معرفة الشبهات والردّ عليها من المنظور القرآني والحديثي وأيضًا من المنظور العقلي لها أهمية خاصة لا يمكن إنكارها وهي المقصودة بالدفاع الكلامي بمعناه الخاص. ولذلك أولى المتكلمون المسلمون اهتماماً أكثر بهذا الجانب من الدفاع الكلامي وألّفوا كتباً كثيرة في دحض شبهات المخالفين والمعارضين. لكن الأهم الذي حظي اهتماماً قليلاً هو منهجية الردّ على الشبهات. هناك كم كبير من النصوص الدينية المتاحة يمكن لنا من خلالها الحصول على المبادئ والقواعد والطرق السائدة على منهجية ردّ القرآن وأهل البيت عليهم السلام على الأسئلة والشبهات. من هذا المنطلق، قد سعى هذا البحث وراء استنباط وتقديم هذه المنهجية من المنظور القرآني والحديثي والمنظور العقلي. وذلك بعد أن قام ابتداءً بتبيين مفهوم الشبهة، وعلاقتها بالشك والسؤال، وغاية الردّ على الشبهات وفوائده، وشروط الردّ. الكلمات المفتاحية: المنهجية، الشبهة، العقائد، القرآن، العقل.

* أستاذ في قسم الفلسفة، كليات فارابي، جامعة طهران.

یه علم
مطالعات شبهه‌پژوهی
سال اول، پاییز ۱۴۰۲، ش ۱
مقاله پژوهشی

روش‌شناسی پاسخ به شبهات اعتقادی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۹ تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۰۶/۱۳

رضا برنجکار*

چکیده

شناخت شبهات و پاسخ‌دهی به آنها در قرآن و احادیث و نیز از نگاه عقل دارای اهمیت ویژه و انکارناپذیر است و دفاع به معنای خاص که لمه به همین کار اطلاعاتی به همین دلیل متکلمان اسلامی به این بخش از جنبه دفاعی لکلام بیشتر توجه کرده‌اند و کتاب‌های بسیاری در رد شبهات مخالفان تألیف کرده‌اند. اما آنچه اهمیت بیشتری دارد و کمتر مورد توجه قرار گرفته است، روش‌شناسی پاسخ به شبهات است. حجم وسیعی از متون دینی در اختیار است که می‌توان با دقت در آنها به اصول، قواعد و روش‌های حاکم بر فضای پاسخ‌گویی قرآن و اهل بیت به سؤالات و شبهات دست یافت. تلاش این مقاله استنباط این روش‌ها از قرآن و احادیث و نیز عقل و ارائه آنهاست. قبل از پرداختن به این روش‌ها لازم است ابتدا مفهوم شبهه، ارتباط شبهه با شک و پرسش، هدف و فواید پاسخ به شبهات و شرایط پاسخ‌گویی مورد بحث قرار گیرد.

واژگان کلیدی: روش‌شناسی، شبهه، اعتقادات، قرآن، عقل.

مقدمه

شبهه از ریشه «شبه» بوده و در اصل به معنای تشابه و همانندی شیئی به شیء یا اشیای دیگر است. این تشابه می‌تواند در اوصاف یا در ذاتیات باشد و البته لازمه چنین تشابهی عدم تمییز بین اشیا و بروز اشکال در تشخیص آنها از یکدیگر است (ر.ک: ابن‌فارس، ۱۳۹۱، ص ۴۷۷/ ابن‌منظور، ۱۴۰۵، ج ۱۳، ص ۵۰۳/ الطریحی، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۴۷۹).

در متون دینی شبهه معمولاً در مواردی استعمال شده که عدم تمییز و اشکال در تشخیص نسبت به حق و باطل صورت گرفته باشد. منشأ این مسئله له در ارائه باطل است؛ به گلیغنه

که شبیه حق ج لوه مکنید. بخشی از سخن امیرالمؤمنین علیه السلام روشنی به این مط لب اشاره ۸ دارد: «انما سمیت الشبهه شبهه لأنها تشبیه الحق» (نهج البلاغه، خطبه ۳۸).



با توجه به آنچه بیان شد، می‌توان این تعریف را برای شبهه بیان کرد: «شبهه وارد کردن

عبارت است از ارائه دلایل فاسد و توجیها نادرست به منظور حق ج لوهان باطل و

بالعکس». از این تعریف می‌توان به این نتیجه رسید که دو چیز از مقومات شبهه است:

۱. ختوابودن: اگر مط لب به گلیغنه باشد که بطلان آن آشکار باشد، نمی‌توان آن را

شبهه نامید؛ چراکه در این صورت تشابه و همانندی بین حق و باطل اتفاق نمی‌افتد و در نتیجه اشکال التباس و عدم تمییز پیش نمی‌آید.

۲. استدلال: اگر به ادعای صرف بسنده شود، نمی‌توان آن را شبهه نامید؛ زیرا بطلان

ادعای بدون دلیل امری روشن و واضح است.

قیود دیگری نیز از سوی برخی ذکر شده است؛ از جمله له مشکوون فهم آنچه موجب

شبهه شده و نبودن دلیل قطعی و صریح براعظم لمی که به آن شبهه مشهور و همچنین سوء

نیت شبهه‌کننده (همان). اما این موارد در همه شبهات وجود ندارد؛ از این رو نمی‌توان آنها را

جزو مقومات شبهه دانست.

الف) مفهوم‌شناسی شبیهه

۱. شک و شبیهه

شک و شبیهه گاهی به جای هم استعمال می‌شوند؛ در حالی که در لغت و اصطلاح متفاوتند، هرچند میانشان ارتباط معنایی هم وجود دارد. معنای اصیل شک در لغت تداخل است؛ مثلاً: الشین و الکاف اصل واحد مشتق بعضه من بعض و هو يدل على التداخل (ابن‌فارس، ۱۳۹۱ق، ص ۵۰۲). همه لغت‌پژوهان آن را نقطه مقابل یقین دانسته و به حالتی در مقابل یقین معنا کرده‌اند (ر.ک: همان/ الفیومی، ۲۰۲۰م، «حرف شین»/ مصطفوی، ۱۴۰۲ق، ج ۶، ص ۱۰۵). در مورد وجه تسمیه حالت عدم یقین به شک این‌فارس می‌نویسد: «در این حالت

۹



مثلاً آن است که دو چیز بر انسان داخل شده و او هیجان آنها مردد بوده و یقین ندارد» (ابن‌فارس، ۱۳۹۱ق، ص ۵۰۲). بنابراین شک حالتی درونی و روانی است که بر انسان عارض می‌شود که همان عدم یقین است. اما همان‌طور که اشاره شد، شبیهه به معنای تشابه میان دو یا چند چیز است و به امور واقعی مربوط است؛ اگرچه لازمه آن، ایجاد حالت عدم تمییز در انسان است. شبیهه می‌تواند یکی از عوامل و اسباب شک باشد؛ یعنی شخص ممکن است در مواجهه با شبیهه به دلیل ناتوانی در دفع آن، دچار شک شود. از طرفی کسی که در مورد مسأله شک دارد، اگر به پردازش شک خود اقدام کند و به همراه استدلال، آن را ارائه کند، در واقع شک درونی خود را به صورت شبیهه اظهار کرده است.

نقطه افتراق دیگر بین شک و شبیهه آن است که بروز شک ممکن است غیر اختیاری باشد؛ اما شبیهه کردن امری اختیاری است و عبارت از ارائه استدلال‌های نادرست به منظور حق ج. لوهان باطل و بالعکس است.

در برخی روایات نیز این دو، قسیم هم قرار گرفته‌اند، در روایتی امام علی علیه السلام فرموده‌اند:

بنی الاکفر ع لم ی اربع دعائم: الفسق والغلو والشک والشبهه... (لمینی، ۱۳۶۹ق، ج ۲، ص ۳۹۳).

۲. مفهوم سؤال و تفاوت آن با شبهه

معنای لغوی سؤال، مط لقی ط لب و خواستن است (ابن فارس، ۱۳۹۱ق، ج ۲، ص ۱۲۴ / ابن اثیر، ۱۳۶۴،

ج ۲، ط ۱۳۷) بحث ع لمی به معنای ط لب پاسخ در یک بحث ع لمی است.

سؤال و پرسش یکی از ابزارهای مهم در رشد ع لمی و فکری بشر است و پرسشگری، تلاشی سازنده برای سیر از نادانی و ناآگاهی به آگاهی و دانایی است. پرسش معمولاً برای رسیدن به شناخت و کشف حقیقت است؛ بنابراین پرسشگر سعی نمی‌کند با تزئین باطل یا آمیختن آن با حق، باطلی را حق جلوه دهد یا حقی را بیوشاند. هدف پرسش، ایجاد شک و تردید در مخاطب نیست؛ اما شبهه‌آفرینی تلاشی منفی و مخرب در جهت ایجاد شک و تردید در مخاطب و آشفتگی در باورهای دینی می‌باشد. در شبهه، باطل به طور عمدی و خواسته حضور دارد و شبهه‌گر با آمیختن حق و باطل می‌کوشد کلام باطل خود را با رنگ لعابی از حق به دیگران منتقل کند. بنابراین روشن است که بین شبهه و پرسش تفاوت آشکاری وجود دارد و به همین دلیل است که در اسلام از پرسش استقبال شده و همگان به پرسش‌گری دعوت شدند. از جمله در آیه که دو بار در قرآن تکرار شده، به این مهم اشاره شده است: «لو اهل الذکر ان کنتم لاتع لمون (نحل: ۴۳ / انبیاء: ۷)». در روایات اهل بیت علیهم السلام این مط لب و ظهور دیده می‌شود (برای نمونه، ر.ک: لمینی ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۴۰-۴۱ / نهج البلاغه، خطبه ۱۸۹ / حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۱۴۰۳ لمسی ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۲۲۴ و...). تا جایی که امام صادق علیه السلام یکی از عوامل هلاکت مردم را عدم پرسشگری آنان معرفی می‌نماید: «انها یه ملک الناس لانهم لا یسألون» (لمینی ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۴۰، ح ۲). در مقابل از شبهه‌گری و فروافتادن در شبهات نهی شده است (ر.ک: آل عمران: ۷ / نهج البلاغه، نامه ۳۱ و نامه ۶۵).

موضوع این بحث و روش‌شناسی پاسخ به شبهات اعتقادی است؛ اما بسیاری از این

روهنلو م هتالی که زده می‌شود، در پاسخ به پرسش‌های اعتقادی نیز کاربرد دارد.



ب) هدف و فواید پاسخ به شبهات

هدف اصلی از پاسخ به شبهات اعتقادی، جلوگیری از تزلزل قلبی و اعتقادی اسلام و محافظت از این عقاید و برطرف کردن موانع پذیرش عقاید درست از اذهان مردم است. گذشته از این هدف، فوایدی نیز برای پاسخ‌گویی به شبهات می‌توان برشمرد؛ جمیع اینها در مقام پاسخ‌گویی به شبهه‌ای که نسبت به آموزه دینی وارد شده، ابعاد جدیدی از آن آموزه برای مردم بیان می‌شود و فهم مخاطبان نسبت به اعتقاد مورد بحث بیشتر می‌شود. همچنین متکلم در ضمن پاسخ‌گویی ممکن است استدلال‌های جدیدی در موضوع بحث بیابد. همان‌طور که چنین اتفاقی در پاسخ به شبهه این‌گونه در تاریخ کلام رخ داده است.

یکی از فواید پاسخ‌گویی به شبهات این است که ممکن است در ضمن این کار متکلم و نیز مردم به برخی آموزه‌های اعتقادی که قبلاً توجه نداشتند، توجه کنند و مباحث جدیدی در علم کلام مطرح شود؛ همچنین از فواید پاسخ به شبهات، تقویت ذهنی متکلم و توانمند شدن برای پاسخ به شبهات مشابه است.

ج) شرایط پاسخ به شبهه

۱. شرایط پاسخ به شبهه با توجه به پاسخ‌گو

۱) شناخت عقاید دینی: اولین شرط برای پاسخ به شبهات اعتقادی، شناخت کامل پاسخ‌گو نسبت به عقاید دینی است. شناخت عمیق اعتقادات دینی از تزلزل و آشفتگی عقاید و افکار متکلم در مواجهه با انبوه شبهات جلوگیری می‌کند. ممکن است با شبهات پیچیده‌ای برخورد کند که اگر از معرفت عمیق دینی برخوردار نباشد، احتمال لغزش خودش نیز وجود دارد. امام صادق (ع) یکی از سخنان گهربارشان به این مسأله توجه داشته:

«لا خیر فیمن لا یتفقہ من اصحابنا ان الرجل منهم اذا لم یستغن بفقہه احتاج الیهم فاذا احتاج

اليهم، اذ لموه في باب ضلالتهم لا هو لم: هر کسی از اصحاب ما که از نظر فهم عمیق دینی بی‌نیاز نباشد، به دیگران نیاز پیدا می‌کند و وقتی به آنها نیازمند شد، او را در گمراهی خویش وارد می‌کنند، در حالی که خودش بی‌خبر است (کلبینی ۱۳۶، ج ۱، ص ۳۳، ح ۶) .

از سوی دیگر شناخت اعتقاد دینی باعث می‌شود پاسخ‌گو در عین ارائه پاسخ به شبهه در یک موضوع، هماهنگی پاسخ خود با دیگر گزاره‌های اعتقادی را در نظر داشته باشد تا پاسخ ارائه‌شده با دیگر معارف دینی دچار تعارض و اختلاف نباشد و خدشه‌ای به دیگر اصول و مبانی وارد نسازد.

(تخصص در حیطه موضوع مورد شبهه: متکلم‌ها از آشنایی با مجموعه عقاید دینی، باید در موضوعی که در آن شبهه مطرح شده، متخصص باشد. برخی روایات موجود در

منابع حدیثی و توضیح اهتمام ائمه علیهم‌السلام به تخصص‌گرایی در پاسخ به شبهات را نشان می‌دهد (ر.ک: همان، ص ۱۷۱، ح ۴ / مفید، ۱۴۱۳ ق، الف، ج ۲، ص ۱۹۴ / کشی، ۱۴۰۹ ق، ج ۲، ص ۵۵۴).

(۳) لطف بر محتوای شبهه: فهم صحیح شبهه مقدمه پاسخ صحیح است. فهم شبهه نیازمند فهم واژه‌ها و اصطلاحات، موضوع شبهه، پیش‌فرض‌ها و مبانی شبهه، نوع استدلالی که در شبهه به کار رفته است و نیز مسائل مرتبط با شبهه است. شناخت پیشینه و فضای شبهه و نیز آثار شبهه در درک شبهه مؤثر می‌باشد.

(۴) لطف بر روش‌های پاسخ‌گویی: روش‌های پاسخ به شبهات اعتقادی متفاوت و متعدد است و با توجه به نوع شبهه، شرایط مخاطب، فضای شبهه و... روش‌های گوناگونی به کار گرفته می‌شود. متکلم باید به تمام این هوشمندی لطف باشد تا با توجه به شرایط و روش مناسب را اتخاذ کند. در ادامه به برخی از این روش‌ها اشاره خواهد شد.

(۵) داشتن مهارت مناظره و گفتگو: یکی از شرایط پاسخ به شبهات اعتقادی تسلط بر فنون مناظره و مهارت در آن است. این مهارت پاسخ‌گو را قادر می‌سازد از بهترین روش‌های مناظره استفاده کرده و با رعایت آداب مناظره بر طرف مقابل غلبه کند. یکی از

دلایلی که موجب مثل امام صادق علیه السلام برخی از اصحاب را از گفت و گو با مخالفان منع کنند و برخی را به این کار تشویق نمایند، همین موضوع بوده است. ک: ک: لمینی، ۱۳۶، ج ۱، ص ۱۷۱، ح ۴/ مفید، ۱۴۱۳، ب، ص ۷۱).

۲. شرایط پاسخ به شبهه با توجه به مخاطب

۱) مراعات سطح مخاطب: یکی از مهم‌ترین شرایط شبهه، آگاهی از شرایط مخاطب از لحاظ سطح علمی، شرایط روحی و روانی و شرایط فرهنگی و اجتماعی و توجه به این مطلب در مقام پاسخگویی است. ممکن است یک پاسخ در یک زمان و برای افرادی سبب برطرف شدن شبهه و اصلاح اندیشه آنها شود و همان پاسخ در جای دیگر و برای افراد دیگر، اثری در دفع شبهه نداشته باشد. پاسخ گو باید به گونه‌ای به شبهه پاسخ دهد که سخنش نه فراتر از سطح فهم مخاطب باشد که در این صورت کلامش نامفهوم خواهد بود و به جای دفع شبهه، به تثبیت آن منجر خواهد شد و نه فروتر از حد فهم مخاطب که در این صورت، سخنش سبک و ضعیف و لم‌مداد شود و اثر شبهه‌زایی خود را از دست می‌دهد. سیره و روش اهل بیت علیهم السلام نیز توجه به سطح و ظرفیت مخاطب در مقام آموزش و پاسخ‌گویی مورد دقت بوده است. ک: ک: لمینی، ۱۳۶، ج ۱، ص ۲۳ / شیخ صدوق، ۱۳۹۸، ص ۳۶۳ / مج لمسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۶۴ و ج ۵، ص ۵۷ و ج ۴۶، ص ۳۲۰ و ...

۲) احترام به مخاطب: هدف از پاسخ به شبهه، دفاع از دین و ایجاد اصلاح در مخاطب است؛ بنابراین برای تحقق این هدف لازم است پاسخ‌گو احترام مخاطبان خود را رعایت کند. احترام به مخاطب غالباً زمینه ایجاد ارتباط عاطفی و روانی را فراهم می‌کند و این ارتباط اثر زیادی در همراهی و پذیرش و استدلال‌های پاسخ‌گو دارد. در مقابل بی‌احترامی، حس لجباجت و مقابله غیر منطقی را در مخاطب ایجاد می‌کند و روند پاسخ‌گویی را با مشکل مواجه می‌سازد. اهل بیت علیهم السلام در مقام پاسخ‌گویی با احترام با مخاطبان خود برخورد

مکیندند، حتی اگر آنان کافر یا مشرک بودند. شواهد این مط لب در منابع روایی فراوان است؛ نمونه آن برخورد محترمانه امام صادق علیه السلام با زندیقی از مصر بود که حضرت در قسمتی از گفت‌وگوی خود، او را با تعبیر «یا ابا اهل مصر» خطاب فرمودند. ک: ک: یلیه: ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۷۳.

۳) پرهیز از اهانت به مقدسات طرف مقابل: در مسیر پاسخ به شبهه باید از ایجاد هر گونه حس دشمنی و کینه خودداری کرد. همچنین از عوامل ایجاد این حس، توهین به مقدسات طرف مقابل است. در قرآن کریم صیواحت از این مسه له نهی شده است: تَسْبُوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ سَبَّوْا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ (انعام: ۱۰۸).

۱۴ برای کسی که می‌خواهد با منطق و استدلال به شبهات پاسخ دهد، لازم است در یک فضای منطقی و علمی این کار را انجام دهد، و گرنه با حاکمین فضای دشمنی، دلیل و منطق راه به جایی نخواهد برد و پاسخ گو به هدف خود نخواهد رسید.

۳. شرایط پاسخ به شبهه با توجه به زمان و مکان

مسه لما شبهه در یک زمان و مکان خاص مطرح شهود و نمی‌توان آن را در خلأ تصور کرد. در این صورت طبیعی است باید شرایط زمان و مکان در نظر گرفته شود. گاهی رویکرد جامعه عقل‌گرایانه است و شبهه نیز بر اساس همین وضعیت برای اولین بار طرح می‌شود یا اگر هم سابقه دارد، با تقریر جدیدی با توجه به این رویکرد مطرح می‌شود. طبیعی است پاسخ به این شبهه در این زمان و مکان خاص با تکیه بر روش نقد علمی اثرگذار نخواهد بود. یا جامعه‌ای که رویکرد غالب آن تجرگ‌وایی است، مسه لما تقریر شبهه با جوه به همین رویکرد صورت گرفته است؛ پس پاسخ به این شبهه بدون در نظر گرفتن این رویکرد نتیجه‌بخش نخواهد بود.

۴. شرایط پاسخ به شبهه با توجه به موضوع

روشن است هر شبهه‌ای درباره موضوعی مطرح می‌شود. پاسخ به شبهه بدون در نظر گرفتن موضوع و اجزا و شرایط آن، امکان‌پذیر نیست؛ همچنین برخی موضوعات به گونه‌ای است که خود متوقف بر یک سلسله مبانی و مقدمات است که در پاسخ به شبهه بدون در نظر گرفتن این مبانی و نقد آن، کاری بس دشوار است؛ از سوی دیگر برخی موضوعات روش اثبات یا نقدشان عقلی است؛ بنابراین بدون در نظر گرفتن چگونگی موضوع و روش بحث آن، پاسخ به شبهه عقیم خواهد ماند.

(د) روش‌های پاسخ به شبهه

در بحث روش‌های پاسخ به شبهه، بیشتر به انواع پاسخ‌گویی از لحاظ شکل پاسخ‌گویی پرداخته خواهد شد و بر برخی از این روش‌ها را که از اهمیت بیشتری برخوردارند، تأکید بیشتری خواهد شد؛ بنابراین انواع پاسخ‌گویی از لحاظ ماده و محتوا یعنی استفاده از محتوای عقل نظری و عقل عملی و قرآن و احادیث و فطریات ذکر نمیشود و به آنچه در بحث اثبات در این زمینه بیان شد، اکتفا می‌گردد.

۱. پاسخ به شبهه بر اساس مبانی شبهه‌کننده یا نقاط مشترک

هرگونه گفت‌وگو و تبادل اندیشه‌ای از جمله سلسله پاسخ و دفع یک شبهه کلامی باید بر اساس مبنا یا محور و نقطه مشترک و مورد قبول طرفین آغاز شود؛ به تعبیر دیگر متکلم باید نقطه شروع پاسخ خود را اعتقادی قرار دهد که شبهه‌کننده نیز بدان معتقد بوده و نیازی به بحث درباره آن وجود نداشته باشد. این مبنا مشترک، بسته به موضوع مورد شبهه، متفاوت خواهد بود؛ گرچه معمولاً قضایای بدیهی و وجدانی، نقطه آغاز مناسبی برای پاسخ به شبهه‌اند. روش قرآن کریم نیز این گونه است و هنگام شروع گفت‌وگو بر مبانی مورد

قبول تأکید شده است؛ از جمعه خداوند به پیامبر ﷺ می‌فرماید: «قل یا اهل الكتاب تعالوا الی کلمة سواء بیننا و بینکم: بگو ای اهل کتاب، بیایید بر سر سخنی که میان ما و شما یکسان است، بایستیم» (آل عمران: ۶۴). در آیه‌ای دیگر ضمن توصیه بر جدال احسن، اشاره شده است که گفتگو باید از نقطه مشترک آغاز شود و این مسئله یکی از ویژگی‌های جدال احسن مورد تأکید قرآن است:

ولا تجادلوا اهل الكتاب الا بالتی هی احسن الا الذین ظلموا منهم و قولوا آمنا بالذی انزل الینا و انزل الیکم و الهنا و الهکم واحد و نحن له مسلمون: و با اهل کتاب، جز به [شلیه] که بهتر است، مجادله مکنید- مگر [با] کسانی از آنان که ستم کرده‌اند- و بگویید به آنچه به سوی ما نازل شده و [آنچه] به سوی شما نازل گردیده، ایمان آوریم و خدای ما و خدای شما یکی است و ما تسلمیم اویم (عنکبوت: ۴۶).

در آیاتی دیگر از قرآن کریم ملاحظه می‌شود که در مواجهه با شبهه، پاسخ عملاً از یک محور مشترک آغاز می‌شود یا قرآن قضیه‌ای را مطرح می‌سازد تا زمینه مشترک فکری برای گفتگو ایجاد شود؛ از جمعه در آیه شریفه سوره بقره که فرماید: «و اذا قیل لهم اتبعوا انزل الله قالو بل نتبع ما الفینا ءلمیه آباءنا اولو کان آباؤهم لایعقلون شیئاً و لایهتدون: و چون به آنان گفته شود از آنچه خدا نازل کرده است، پیروی کنید؛ مگویند نه، بلکه از چیزی که پدران خود را بر آن یافته‌ایم، پیروی می‌کنیم، آیا هر چند پدرانشان چیزی را درک نمی‌کرده و به راه صواب نمی‌رفته‌اند، باز هم درخور پیروی‌اند» (بقره: ۱۷۰). در اینجا باورهای این افراد با اعتناک فرد مسلممان هیچ‌گونه همخوانی ندارد؛ بنابراین قرآن یک سخن منطقی و زمینه مشترک فکری را مطرح می‌سازد؛ مانند اینکه «مجانین مورد تبعیت قرار نمی‌گیرند» یا «تبعیت از منشأ هدایت و خیر معقول است» (برای ملاحظه آیات دیگر، ر.ک، انعام: ۷۵-۷۸ / زخرف:

۲۳-۲۴).

۱۶



سال اول / شماره اول / پاییز ۱۴۰۲

۲. پاسخ به شبهه با روش تبیین واژه‌ها

گاهی شبهه ناشی از جهل به معنای حقیقی یک واژه است. در این گونه موارد، روش پاسخ به شبهه باید متمرکز بر تبیین آن واژه باشد. در واقع در چنین مواردی بیان معنای واژه، خود پاسخ به شبهه خواهد بود. این روش در پاسخ امام صادق علیه السلام به شبهه یک زندیق کاملاً مشهود است و او از امام صادق علیه السلام پرسید: مگر شما نمی‌گویید خداوند فرمود: «ادعونی استجب لکم» (غافر: ۶۰)؛ در حالی که می‌بینیم انسان در مانده‌ای خداوند را می‌خواند و جوابی به او داده نمی‌شود و ستم‌دیده‌ای خدا را به یاری طلبی، ولی خداوند را یاری نمی‌کند؟ حضرت معنای اجابت را بیان فرمود و گفت: اگر کسی حق به جانب او باشد و از خدا چیزی را بخواهد، خدا او را اجابت می‌کند و به او جواب می‌دهد؛ اما جواب‌دادن به این معنا نیست که همان دعایش را برآورده سازد، بلکه ممکن است بلایی را از او دفع کند یا پاداشی فراوان به او دهد: «قال: الست تقول: يقول الله تعالى: ادعونی استجب لکم و قد نرى المضطر يدعوه فلا يجاب له، والمظلم يستصره ع لى عدوه فلا ينصره؟ قال: ويحك ما يدعوه أحد الا استجاب له، اما الظالم فدعاؤه مردود الى أن يتوب اليه، و أما المحق فانه اذا دعاه لمجلب له، و صرف عنه البلاء من حيث لا يع لمه». (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۲۲۸)؛ زیرا گاه برآورنده همان حاجت مصدق نیست، اما خداوند پاسخی مناسب به او خواهد داد (برای دیدن نمونه‌های دیگری از این روش در روایات، ر.ک: شیخ صدوق، ۱۳۹۸، ص ۱۱۷ / شیخ صدوق، ۱۳۸۵، ص ۸۶، لسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴، ص ۵).

۳. پاسخ به شبهه با روش طرح سؤال

یکی از روش‌ها و فنون مهم و تأثیرگذار در پاسخ به شبهه استفاده از روش طرح سؤال است. در این روش پاسخ به جای تبیین مسئله و استدلال، با طرح یک یا چند سؤال خود را در جایگاه پرسش‌گر قرار می‌دهد و از موضع دفاعی به موضع تهاجمی و فعال تغییر جهت

می دهد و ابتکار عمل را به دست گرفته، به این طریق شبهه را دفع می کند. استفاده از ساختار پرسشی در واقع القای مط لب به صورت غیر مستقیم است که تأثیر فزاینده ای در درک و دریافت مخاطب دارد. وقتی مط لبی به صورت قطعی از سوی گوینده مطرح شود، ذهن مخاطب در ابتدا در برابر آن مقاومت و موضع گیری از خود بروز می دهد و با آن، مانند یک فکر بیگانه برخورد میکند؛ اما هنگامی که همین مط لب در قالب سؤال مطرح شود و پاسخ آن از کنه وجدان و قلب مخاطب ظهور کند، مط لب را به مثابه محصول

اندیشه و تشخیص خود می نگرد و با انعطاف و همراهی بیشتر با آن برخورد می کند. این روش در قرآن کریم در موارد متعددی به کار گرفته شده است؛ از جمله در سوره صفات

حضرت ابراهیم علیه السلام در مواجهه با مشرکان از روش سؤال استفاده می کند: «قال اتعبدون ما تحتون: آیا آنچه را می تراشید، می پرستید» (صفات: ۹۵). یا در همین سوره خداوند خطاب به حضرت یونس می فرماید: «استفتهم الربک البنات و لهم البنون ام خذ لملنا الملائكة اناتا و هم شاهدون: پس، از مشرکان جويا شو آیا پروردگارت را دختران و آنان را پسران است یا فرشتگان را مادینه آفریدیم و آنان شاهد بودند» (صفات: ۱۴۹-۱۵۰).

اهل بیت علیهم السلام نیز از این روش در پاسخ به شبهات استفاده می کردند؛ از جمله امام علی علیه السلام در پاسخ به اسقف مسیحی که از ایشان پرسید: شما می گوید گستره بهشت به اندازه آسمانها و زمین است، پس جهنم کجاست، حضرت با به کارگیری ساختار پرسشی شبهه، به او پاسخ دادند و فرمودند: «اذ جاء الی لیل این یکون النهل؟» (مسئله ۱۴۰، ج ۱، ص ۵۸). نمونه دیگر مواجهه حضرت زهرا علیها السلام با ابوبکر است که در پاسخ به شبهه او مبنی بر ارث نبردن آن حضرت از پیامبر صلی الله علیه و آله، از ساختار پرسشی استفاده کرده و فرمودند: «أفی کتاب الله ترث أباک ولا أرث أبی؟» (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۱۳۸). نمونه دیگر مناظره طولانی هشام بن حکم با عمرو بن عبید است که محور اساسی آن استفاده از همین روش است (مینی، ۱۳۶،

ج ۱، ص ۱۶۹، ح ۳).

۴. پاسخ به شبهه با روش پاسخ نقضی

یکی از روش‌های پاسخ به شبهات اعتقادی، استفاده از پاسخ نقضی است. پاسخ نقضی آن است که مبتنی بر استدلال شبهه‌کننده، مورد نقضی ارائه شود که بتواند ساختمان استدلال وی را فرو بریزد. مورد تقض باید از امور یقینی یا از معتقدات شبهه‌کننده باشد تا بتواند او را بر سر دو راهی قرار دهد. چون شبهه‌گر نمی‌تواند در برابر امور یقینی شبهه کند یا از معتقدات قبلی خود دست بکشد، به ناچار از استدلال خود صرف نظر میکند. نکته مهم این است که در مسیر پاسخ به شبهه، ارائه پاسخ‌های نقضی باید مقدم بر پاسخی حلی باشد. دلیل آن، این است که با پاسخ نقضی استدلال شبهه‌گر در هم می‌شکند و به دنبال آن، زمینه مناسب برای ارائه جوابی حلی آماده می‌شود. اهل بیت علیهم‌السلام در موارد متعددی از این روش در مواجهه با مخالفان و شبهه‌کنندگان استفاده کرده‌اند؛ برای نمونه می‌توان از مناظره پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با مسیحیانِ نجران نام برد (ر.ک: قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۱۰۴). آنان پس از شنیدن سخن پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم مبنی بر اینکه حضرت عیسی علیه‌السلام بنده خداوند بود که مثل انسانی عادی می‌خورد و می‌نوشید، گفتند: اگر بنده خدا بود، پس پدرش که بود؟ در این موقع فرشته وحی نازل گردید و به پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم گفت که به آنان بگو: مثل عیسی عنده الله کم. مثل آدم خ لقمه من تراب ثم قال له کن فیکون» (آل عمران: ۵۹)؛ یعنی ولادت مسیح بدون پدر، هرگز دلیل بر الوهیت یا فرزند خدا بودن نیست. اگر این سخن درست باشد که هر کس بدون پدر متولد شود، خدا پدر اوست، پس آدم هم بدون پدر متولد شد و باید فرزند خدا باشد؛ در حالی که مسیحیان چنین اعتقادی ندارند. در این مناظره پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم با پاسخ نقضی استدلال آنان را در هم فرو ریخت (برای دیدن نمونه‌های دیگر، ر.ک: طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۸۳؛ قمی، ۱۴۰۳ق، ج ۹، ص ۲۵۵).

۵. پاسخ به شبهه با روش پاسخ حلی

آنچه در واقع جواب شبهه است و شبهه را از میان بر هلد، پاسخ حلی است که با ارائه دلیل و برهان صورت می‌گیرد؛ همچنانکه در روش قبلی اشاره شد، پاسخ نقضی استدلال شبهه‌گر را تخریب می‌کند و زمینه را برای ارائه پاسخ حلی آماده می‌کند. البته پاسخ‌گو باید با شناخت موقعیت، جایگاه استفاده از پاسخی نقضی و حلی را تشخیص دهد و حتی ممکن است در جایی نیازی به پاسخ نقضی نباشد یا در جایی به صرف ارائه پاسخ نقضی، شبهه برطرف شود. بسیاری از پاسخ‌های اهل بیت علیهم‌السلام به شبهات با جوابی حلی انجام شده است؛ برای نمونه می‌توان پاسخ امام رضا علیه‌السلام به شبهه‌ای در مورد عصمت حضرت ابراهیم علیه‌السلام اشاره کرد. وقتی مأمون پرسید آیا عصمت حضرت ابراهیم علیه‌السلام با گفتن «هذاری» به ستاره و ماه و خورشید سازگار است؟ امام علیه‌السلام در پاسخ فرمودند: «هذاری» استفهام انکاری و استخباری است و به عنوان مقدمه بررسی و رد پروردگاردانستن اجرام آسمانی است، نه بیانگر اعتقاد واقعی حضرت ابراهیم علیه‌السلام (ر.ک: شیخ صدوق، ۱۳۹۸، ص ۷۵، ح ۲۸).

۲۰



سال اول / شماره اول / پاییز ۱۴۰۲

۶. پاسخ به شبهه با طرح احتمال

برخی از شبهاتی که مطرح می‌شود، به این دلیل است که شبهه‌کننده صرفاً به یک جنبه از مسئله نگاه می‌کند و با یک احتمال خود را مواجه می‌بیند و از توجه به جنبه‌ها و احتمالات دیگر غافل است؛ در حالی که مطالب به گولین است که احتمالات دیگری قابل طرح است و مطرح ساختن آنها باعث می‌شود نتیجه مورد نظر شبهه‌گر محقق نشود. در این گونه موارد روش پاسخ به شبهه، طرح احتمالاتی است که بر اساس آن، استدلال شبهه‌کننده مخدوش و مردود می‌گردد. این روش به‌خصوص در جایی که شبهه‌گر تلاش می‌کند با طرح سریع مقدمات به نتیجه دست یابد و ادعای خود را مطرح سازد، از ارزش و کارایی بالایی برخوردار است. طرح احتمالات گوناگون و ایجاد صورتهای مختلّف برای ادعاهای

شبهه‌گر او را به حالت انفعال می‌کشاند و زمینه غلبه بر او را فراهم می‌آورد؛ برای نمونه می‌توان به مناظره امام علی علیه السلام با یهودیان اشاره کرد که حضرت با طرح احتمالات گوناگون، موجبات تفرق آرا در میان آنها را فراهم و در ادامه حقانیت سخن خود و بطلان سخن آنان را آشکار می‌سازد (ر.ک: شیخ صدوق، ۱۳۷۴، ص ۲۰۶) نمونه دیگر تعالیم امام حسن عسکری علیه السلام به یکی از شاگردانشان، اسحاق کندی است که حضرت به او یاد می‌دهد چگونه با طرح یک احتمال (احتمال دارد منظور قرآن غیر از آن چیزی باشد که تو گمان می‌کنی) در پیش استادش، او را به تأمل بیشتر و رها کردن ادعای وجود تناقض در قرآن واداشت و به این طریق او را از نوشتن کتابی که در این زمینه آغاز کرده بود، باز دارد (ر.ک: ابن شهر آشوب، مازندرانی، ۱۳۷۹، ج ۳، ص ۵۲۵).

۲۱



۷. پاسخ به شبهه با محسوس سازی معقولات

پاسخ به شبهه، فرایندی دوسویه دارد که بر اساس تعامل و تبادل بین پاسخ‌گو و شبهه‌کننده صورت می‌گیرد. پاسخ‌گو باید بهترین روش‌ها و ابزارها را برای تأثیر بیشتر و ثمربخش بودن فعالیت خود اتخاذ کند؛ از این رو لازم است از تمامی امکانات برای فرایند شبهه‌زدایی استفاده کند. یکی از این ابزارها تصویرپردازی و به تعبیر دیگر محسوس کردن مطالب عقلی و نظری و ارائه تصویری روشن از مسئله است. برخی مطالب عقلی اگر صرفاً در قالب نظری و از طریق استدلال مطرح شود، برای بسیاری از افراد قابل درک و فهم نخواهد بود. در این گونه موارد، تصویرسازی و محسوس سازی بهترین روش برای تسهیل فرایند تفهیم و دفع شبهه از ذهن مخاطب است. در قرآن و روایات از این شیوه به صورت گسترده، برای انتقال پیام، تبیین معارف و پاسخ به شبهات استفاده شده است؛ برای نمونه می‌توان به روش امام علی علیه السلام در پاسخ به شبهه دانشمند یهودی اشاره کرد. وقتی دانشمند یهودی بحث را به مسائل عقلی می‌کشاند و از «وجه رب» سؤال می‌کند، «وجه رب تو کجا قرار دارد؟»، حضرت برای تفهیم مطلب از این عجب می‌خواهد هیزمی فراهم کرده، آتشی برافروزد. پس از

عشولشدن آتش، از او سؤال می‌کند: «ای یهودی روی این آتش کجاست؟» یهودی جواب می‌دهد: «برای آن رویی نمی‌بینم». در این هنگام امام علیه السلام می‌فرماید: «همانا پروردگار من به آتشی ماند که شرق و غرب برای اوست و هر جا نظر کنی روی او را می‌بینی». «قال [اليهودی]: فأين يكون وجه ربك؟ فقال ع لمى بن أطلال رضي الله عنه لى: يا ابن عباس اتى بنار و حطب، فأتته بنار و حطب فأضرمها، ثم قال: يا يهودى أين يكون وجه هذه النار؟ قال: لا أقف لها ع لمى وجه. قال: فان ربي عز و جل عن هذا المثل و له المشرق و المغرب فأينما تولوا فثم وجه الله (صدق، ۱۴۰۳ق، ص ۵۹۷) اگر قرار بود این مط لمب در قالب بحث نظری و با استدلال عقلمی ارائه شود، اولاً وقت زیادی دهی ثانیاً مع لموم هم نبود مخاطب فهمید یا نه. امیرالمؤمنین علیه السلام با استفاده از روش محسوس سازی معقولات، تصویری روشن از وجه رب، ارائه و او را متقاعد نمود.

۸. پاسخ به شبهه با روش اقرار گرفتن

پاسخ‌دهنده به شبهه باید در مقام پاسخ‌گویی، همه جوانب را در نظر گرفته، نسبت به شرایط، روش مناسب را اتخاذ کند. گاهی شبهه‌کننده کسی است که احتمال‌گریز و طفره‌رفتن او از مطالب حق وجود دارد یا از کسانی است که می‌توانند به صورت ماهرانه، عقاید باطل خود را توجیه کنند. در چنین مواقعی یکی از روش‌های مناسب برای مواجهه و دفع شبهه اقرار و اعتراف گرفتن از طرف مقابل است، این اقرار گرفتن در ابتدا باید از مبانی مورد قبول شبهه‌کننده باشد. فایده این کار آن است که باعث می‌شود بحث از اصول و پایه‌های مشترک و مورد اعتراف طرف مقابل شروع شود. در ادامه می‌توان با استدلال‌های مناسب با اقرارهای شبهه‌کننده، او را در مقابل اعتراف‌های خود قرار داد و به بن‌بست کشاند. نمونه‌ای این روش در قرآن و روایات بسیار است؛ از جمله در سوره مؤمنون خداوند به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید در مواجهه با منکران قیامت و روز رستاخیز از آنان

درباره برخی مسائل اقرار بگیرد: «قالوا انذا متنا و کنا تراباً و عظاماً ائنا لمبعوثون لقد وعدنا نحن و آباؤنا هذا من قبل ان هذا الا اساطير الاولين قل لمن الارض و من فيها ان کنتم تع لمون سيقولون لله قل أفلا تذکرون قل من رب السماوات السبع و رب العرش العظيم سيقولون لله قل أفلا تتقون قل من بیده م ملکوت کل شیء و هو یجیر و لایجار ع لیه ان کنتم تع لمون سيقولون لله قل فانی تسحرون» (مؤمنون: ۸۲-۸۹). نمونه دیگر از این روش، مناظره امام رضا علیه السلام با جاثلیق است (ر.ک: شیخ صدوق، ۱۳۷۸ ق، ج ۲، ص ۱۴۱-۱۴۵) که در یک مورد بدون آنکه جاثلیق متوجه شود، امام علیه السلام با قصد اقرار گرفتن به جاثلیق فرمود:

ای نصرانی، به خدا سوگند ما ایمان به آن عیسی علیه السلام داریم که ایمان به محمد صلی الله علیه و آله داشت؛ ولی تنها ایرادی که به پیامبر شما داریم، این بود که او کم روزه می گرفت و کم نماز می خواند، جاثلیق متحیر شد و گفت به «خدا سوگند ع لم خود را باطل کردی و پایه کار خویش را ضعیف نمودی، من گمان می کنم تو داناترین مسلمان هستی امام علیه السلام فرمود: «مگر چه شده؟» جاثلیق گفت: «به خاطر اینکه می گویی عیسی علیه السلام کم روزه و کم نماز بود؛ در حالی که عیسی علیه السلام حتی یک روز را افطار نکرد و هیچ شیئی را به طور کامل نخوابید و همیشه صائم الدهر و قائم ال لیل بود. امام علیه السلام از این اقرار استفاده فرمود و بیان داشت: «برای چه کسی روزه می گرفت و نماز می خواند؟ جاثلیق نتوانست پاسخ بگوید و ساکت شد (ر.ک: همان، ص ۱۴۳).

۹. پاسخ به شبهه با نقد و رد مبنای شبهه

در مواجهه با هر شبهه‌ای ابتدا باید مبنای و پیش فرض‌های آن را شناسایی کرد. اگر شبهه بر ریشه و مبنای سستی بنا شده باشد، اولین قدم حذف ریشه و پایه‌های یک شبهه، کل بنای شبهه فرو خواهد ریخت. برای رد مبنای شبهه می توان از روشهای مختلّف دفع شبهه استفاده کرد؛ برای نمونه قرآن شبهه برخی انسهل در باره وقوع قیامت را مطرح می سازد: «ویقول الانسان اءذا ما مت لسوف اخرج حیاً: و انسان می گوید آیا وقتی بمیرم، واقعاً زنده [از قبر] بیرون آورده می شوم» (مریم: ۶۶). کسانی که در قیامت

تردید دارند، نمی‌توانند بپذیرند که مردگان بی‌جان در عالم دیگر دوباره زنده شوند و در صحنه قیامت حاضر شوند. بنابراین شبهه در قیامت، مبتنی بر عدم امکان زنده‌شدن است.

قرآن برای پاسخ به این شبهه مبنای شبهه را رد می‌کند: «ا و لایذکر نللان انا خ لمتناه من قبل و لم یک شیئا: آیا انسان به یاد نمی‌آورد که ما او را قبلاً آفریدیم و حال آنکه چیزی نبوده است» (مریم: ۶۶). استدلال قرآن برای رد مبنا، به این صورت است:

(۱) این چیزی که در قیامت زنده می‌شود، قبل از مرگ یک چیزی بوده است و در قیامت فقط زنده می‌شود.

(۲) زنده کردن چیزی که اصلاً وجود نداشته، بسیار دشوارتر از زنده کردن چیزی است که بوده و فقط احیا می‌خواهد.

(۳) لمت انسان در اصل پدید آمدن از عدم است که اتفاق افتاده است. اگر خ لمت از عدم اتفاق افتاده، به طریق اولی احیای شیء بی‌جان راحت‌تر و ممکن خواهد بود. نتیجه: زنده‌شدن دوباره مرده در قیامت هم ممکن خواهد بود.

۱۰. پاسخ به شبهه با نقد و رد لوازم شبهه

بعضی وقت‌ها شبهه ناشی از عدم توجه به لوازم ادعاست و اگر شبهه‌کننده به لوازم ادعایش آگاه شود، دست از شبهه می‌کشد. یا اینکه شرایط و موقعیت شبهه‌کننده و مخاطب به گونه‌ای است که نقد و رد لوازم شبهه برای محکوم‌ساختن شبهه‌گر مؤثرتر از رد مبنای شبهه می‌باشد. در این گونه موارد پاسخ‌گو باید از طریق رد لوازم شبهه، اصل شبهه را رد کند. نمونه این نوع مواجهه با شبهه در آیات و روایات فراوان است؛ از جمله لمت قرآن در سوره مائده با طرح ادعای یهودیان و مسیحیان به همین روش به رد آنان می‌پردازد: «و قالت اليهود و النصارى نحن لله ابناؤه قل ف لم یعذبکم بذنوبکم بل انتم بشر ممن خ لمتق: و یهودیان و ترسایان گفتند «ما پسران خدا و دوستان او هستیم» بگو «پس چرا شما را به [کیفر]

گناهاتان عذابکنند [نه] بلکه شما [هم] بشرید از جمعه که آفریده است» (مانده: ۱۸). خداوند در اینجا یهودیان و مسیحیان را به لازمه سخنشان توجه می‌دهد و بر فرض پذیرش اینکه ممکن است کسی پسر یا دوست خدا باشد، سخن می‌گوید و می‌فرماید اگر شما پسران و دوستان خدا بودید، نباید به واسطه گناهاتان عذاب می‌شدید؛ در حالی که خداوند شما را عذاب می‌کند؛ پس معلوم می‌شود شما پسر یا دوست خدا نیستید (برای دیدن نمونه‌های دیگری از آیات، ر.ک: بقره: ۹۴ و ۲۵۸/اعراف: ۱۹۴).

نمونه دیگر از این روش، پاسخ پیامبر اکرم ﷺ شبهه یهودیان در مورد تغییر قلب است. یهودیان به رسول خدا ﷺ گفتند: «ای محمد، آیا پروردگار تو پشیمان شده که در گذشته به تو امر می‌نمود به سوی بیت المقدس نماز بخوانی و حال تو را به سوی کعبه منتقل کرده است». لازمه سخن یهودیان این بود که هر حکم متفاوتی که از سوی خداوند صادر شود، نشان از پشیمانی خدا از حکم ماقبل باشد. پیامبر ﷺ ذکر مغلطی اشتباه بودن این لازمه را نشان دادند و به این طریق شبهه آنان را رد نمودند؛ از جمعه که رسول خدا ﷺ فرمودند: «ای یهود، به من بگویید مگر نه این است که خداوند کسی را بیمار کرده و پس از آن سلامت می‌بخشد؟ آیا او از بیمار کردن پشیمان شده؟ مگر نه این است که او زنده می‌کند و می‌میراند؟ مگر نه این است که شب را به دنبال روز و روز را به دنبال شب می‌آورد؟ آیا در هر یک از این موارد پشیمان شده؟» یهودیان گفتند: نه. آن حضرت ﷺ پس از چند مثال دیگر فرمودند: «همچنین است که خدا شما را در زمانی به چیزی فرا می‌خواند، به جهت مصدحتی که در آن است و در زمانی دیگر به چیز دیگری امکانی به جهت مصدحت دیگری که در آن چیز می‌داند، اگر شما از هر دو اطاعت نمودید، مستحق ثواب خواهید بود» (ر.ک: طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۴۴-۴۵).

۱۱. پاسخ به شبهه با نشان دادن تضاد در عقاید شبهه کننده

ناسازگاری و دوگانگی در اجزای عقاید یک فرد، دلیل سستی و ضعف در عقاید اوست. اگر متکلم بتواند با واکاوی عقاید شبهه‌کننده، تضاد و دوگانگی در عقاید او را نشان دهد و ناسازگاری التزام او را به مفاد شبهه با دیگر عقاید او بنماید، شبهه‌کننده از موضع و شبهه خود عقب خواهد نشست و نادرستی ادعای او آشکار خواهد شد. نمونه بارز این روش، مناظره امام رضا علیه السلام با رأس الجالوت از سران یهودیان است. در بخشی از این مناظره امام علیه السلام با چند پرسش از وی درباره نبوت حضرت موسی علیه السلام و دلایل آنها بر این نبوت، به روشنی تضاد و دوگانگی اعتقاد آنرا بر ملا فرمودند؛ مثلاً وی از یک طرف ادعا می‌کرد تنها نبوت کسی که معجزات حضرت موسی علیه السلام بیاورد، تصدیق خواهد کرد و از سوی دیگر نبوت پیامبران قبل از حضرت موسی علیه السلام را می‌پذیرفت؛ در حالی که معجزات آنها متفاوت بود. یا از یک سو ادعا می‌کرد باید معجزات حضرت عیسی علیه السلام را ببیند تا ایمان بیاورد و از سوی دیگر بدون دیدن معجزات حضرت موسی علیه السلام نبوت او را قبول داشت و مواردی از این دست (ر.ک: شیخ صدوق، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۱۴۹).

۲۶



سال اول / شماره اول / پاییز ۱۴۰۲

۱۲. پاسخ به شبهه با روش ارائه مثال

ارائه مثال، یکی از روش‌ها و قالب‌های مؤثر و متداول در انتقال مفاهیم است. این روش در پاسخ به شبهات اعتقادی نیز کارایی دارد؛ به‌خصوص برای پاسخ به شبهات افرادی که ظرفیت و توانایی دریافت و فهم مباحث علمی سنگین را ندارند، از اهمیت بیشتری برخوردار است. متکلم می‌تواند از چیزهای ملموس در زندگی افراد برای رفع ابهام و شبهه در مسائل اعتقادی استفاده کند. در قرآن و روایات برای تفهیم معارف و همچنین پاسخ به مخالفان از مثال و قصه به نحو گسترده استفاده شده است؛ از جمله قرآن در پاسخ به شبهه مسیحیان از مثال استفاده می‌کند: **مثال عیسی عند الله که مثل آدم خاکی لقمه من تراب ثم قال له**

کن فیکون» (آل عمران: ۵۹). یا در مقام پاسخ به شبهه در معاد از همین روش استفاده می‌کند (پس: ۷۷-۸۲). نمونه روشن دیگر از این روش، روایتی است که شیخ صدوق در کتاب التوحید نقل کرده است: «هشام بن حکم می‌گوید: ابوشاکر دیصانی به من گفت: در قرآن آیه‌ای هست که اعتقاد ما را قوت می‌بخشد. گفتیم: کدام آیه است؟ گفت: "هو الذی فی السماء اله و فی الارض اله" (زخرف: ۸۴). منظور ابوشاکر آن است که این آیه دلالت بر تعدد خداوند می‌کند. من نمی‌دانستم چه جوابی به او بدهم، پس به حج مشرف شدم و کلام ابوشاکر را به امام صادق علیه السلام گفتم. ایشان فرمود: "این سخن یک کافر خبیث است. وقتی به سویش بازگشتی به او بگو: اسم تو در کوفه چیست؟ خواهد گفت: فلانی. سپس بگو: اسم تو در بصره چیست؟ باز هم خواهد گفت: فلانی. تو نیز بگو: پس خدای ما نیز چنین است، در آسمان خداست، در زمین خداست، در دریا خداست و در همه جا خداست" (ر.ک: شیخ صدوق، ۱۳۹۸ق، ص ۱۳۳). در این روایت امام علیه السلام استفاده از تمثیل جواب فاکتخده‌ای به شبهه‌گر ارائه نمودند.

نتیجه

مقصود از پاسخ به شبهات اعتقادی عبارت‌اند از: **۱. لوگیری از تزلزل آموهلی اعتقادی اسلام؛** برطرف کردن موانع پذیرش عقاید درست از اذهان مردم؛ بیان ابعاد جدیدی از تعالیم دینی؛ طرح استدلال‌های جدید و تقویت ذهنی متکلم و توانمندشدن برای پاسخ به شبهات مشابه. شخص پاسخ‌گو برای پاسخ به شبهه باید شرایطی را مد نظر قرار دهد که برخی از آنها عبارت‌اند از: شناخت عقاید دینی؛ تخصص در حیطه موضوع مورد شبهه؛ لطف بر محتوای شبهه؛ لطف بر روهلی پاسخ‌گویی؛ داشتن مهارت مناظره و گفت‌وگو. افزون بر این در پاسخ به شبهه باید به مخاطب نیز توجه داشت که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: مراعات سطح مخاطب؛ احترام به مخاطب؛ پرهیز از اهانت به مقدسات طرف مقابل. در این

میان روش پاسخ به شبهه نیز دارای اقسامی است که عبارت‌اند از: پاسخ به شبهه بر اساس مبانی شبهه‌کننده یا نقاط مشترک؛ پاسخ به شبهه با روش تبیین واژه‌ها؛ پاسخ به شبهه با روش طرح سؤال؛ پاسخ به شبهه با روش پاسخ نقضی؛ پاسخ به شبهه با روش پاسخ - علمی پاسخ به شبهه با طرح احتمال؛ پاسخ به شبهه با محسوس‌سازی معقولات؛ پاسخ به شبهه با روش اقرار گرفتن؛ پاسخ به شبهه با نقد و رد مبنای شبهه؛ پاسخ به شبهه با نقد و رد لوازم شبهه؛ پاسخ به شبهه با نشان‌دادن تضاد در عقاید شبهه‌کننده، پاسخ به شبهه با روش ارائه

مثال

۲۸



سال اول / شماره اول / پاییز ۱۴۰۲

منابع و مأخذ

* قرآن كريم.

** نهج البلاغه.

۱. ابن اثير؛ النهاية في غريب الحديث؛ طاهر احمد الزاوي و محمود محمد الطناحي؛ قم: مؤسسه اسماعيليه لطباعة و النشر و التبع، ۱۳۶۴.
۲. ابن شهر آشوب مازندارني؛ مناقب آل ابي طالب عليهم السلام؛ قم: مؤسسه انتشارات علامه، ۱۳۷۹ ق.
۳. ابن فارس، ابي الحسين احمد؛ معجم مقاييس اللغة؛ مصر: مطبعة الباليح عليه السلام، اولاده، ۱۳۹۱ ق.
۴. ابن منظور؛ لسان العرب؛ قم: نشر ادب الحوزة، ۱۴۰۵ ق.
۵. حراني، حسن بن شعبة؛ تحف العقول؛ قم: جامعه مدرسين، ۱۴۰۴ ق.
۶. شيخ صدوق، ابي جعفر محمدين عليه السلام؛ التوحيد؛ هاشم حسيني؛ قم: جامعه مدرسين، ۱۳۹۸ ق.
۷. -----؛ الخصال؛ قم: انتشارات جامعه مدرسين، ۱۴۰۳ ق.
۸. -----؛ علل الشرايع؛ قم: كتابفروشي داوري، ۱۳۸۵.
۹. -----؛ عيون اخبار الرضا عليه السلام؛ مهدي لاجوردی؛ تهران: نشر جهان، ۱۳۷۸ ق.
۱۰. -----؛ معاني الاخبار؛ تصحيح لاکبر غفاري؛ قم: انتشارات جامعه مدرسين، ۱۳۷۴.
۱۱. ظهري، ابو منصور احمد بن ع عليه السلام؛ الاحتجاج؛ مشهد: نشر مرتضى، ۱۴۰۳ ق.
۱۲. الطريحي، فخر الدين؛ مجمع البحرين؛ السيد احمد الحسيني؛ قم: مكتب النشر الثقافة الاسلامية، ۱۴۰۸ ق.
۱۳. الفيومي، احمد بن محمد؛ المصباح المنير؛ بيروت: دار الفکر، ۲۰۲ م.

- ۴ قلمی، ع لمی بن ابراهیم تفسیر القمی؛ قم: مؤسسه دارالکتاب، ۱۴۰۴ ق.
- ۵ آکینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.
۱۶. کشی، محمد بن عمر؛ رجال الکشی؛ مشهد: دانشگاه مشهد، ۱۴۰۹ ق.
- ۷ مج لسی، محبقر؛ بحار الأنوار؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۱۸. مصطفوی، حسن؛ التحقیق فی کلمات القرآن الکریم؛ تهران: مرکز الکتاب لترجمه و النشر، ۱۴۰۲ ق.
۱۹. مفید، محمد بن محمد؛ الارشاد؛ قم: انتشارات کنگره جهانی شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق، الف.
۲۰. -----؛ تصحیح اعتقادات الامامیه؛ قم: المؤتمر العالمی بیلج المفید، ۱۴۱۳ ق، ب.